

دنائت فرانسه و انگلیس

تمام مطبوعات و محافل سیاسی دول بیطرف درباره توفیق قونسولهای دول متفقہ از طرف فرماندهان فرانسه و انگلیس، زبان طعن و لعن را بر آن دو دولت کشوده و آنهارا بقانون نشناسی و پامال کردن حقوق صریحہ بین المللی اتهام و تنقید نموده اند. درسلانیک روز نخست ۶۹ نفر توفیق شده و روز دوم عدد موقوفین به سیصدکس رسیده و قیامد هزار نفر بالغ کشته است. خیلی از ارباب حیثیت و ناموس، روزنامه نویسان بہمت تمایل بدول متفقہ گرفتار حبس و زجر کونا کون فرانسه و انگلیس کشته اند. حکومت یونان تا کنون سہبار پروتستهای شدید المال مفصلی بدولت فرانسه و انگلیس فرستاده و آزادی قونسولها و اتباع خود و سیکناہان را طلبیده است. سفرای دول متفقہ نیز در (آتن) باریس الوزرای یونان

متفرقه

§ غواصہای المان میان (مالطہ) و (پورت سعید) کشتی (کلانزیل) نام انگلیس را غرق کرده اند. همچنان کشتی (پرشیا) نام انگلیس را چهل میل دور از جزیرہ (کریٹ) غواصہ المانی غرق کرده است. § در پرتسبورگ روسکو و قفقاز اختلال و شورشهای بزرگ برپا شده است. کومیتہهای سری زیادی را پولیسهای روسی کشف نموده اند. نرخ ارزاق و حوالج ضروریہ چندان بالا رفته و ترقی کرده است کہ مردم دکانہا و انبارها را یغما و تاراج نموده اند. § اٹلیون ویس قونسول دول (نوروج) را نیز درسلانیک توفیق نموده اند. § فرمانروای انگلستان بلیراتور روس مرتبہ امیرنویانی افواج انگلیس را بخشیده است. § از قرار تبلیغ رسمی قزاقک اطیش روسها درین اواخر حکامیکہ قصد عبور از نهر (استریا) داشته و در پیشانی جنک (بساواری) کوشش میکردند، ۵۰ هزار کشتار داده اند. § چند کشتی در بحر ارجر بہ تورپیل برخورد و غرق شده اند. ازینرو کبابیهای بہ درانگلستان کشتیهای کہ از کانال و بحر ارجر میکشوند آنها را چینی کنند. § دولت روس از ترس حکومت سوئید ۱۶۰ هزار سرباز در (فنلاند) تمشید کرده است. § مطبوعات انگلستان درباره حکمران یونان کلمات خشن و غلیظ مخالف آداب و نزاکت بکار برده و اورا تشبیه بہ (گاؤ عنود) نموده اند. همچنان درباره ملت یونان خیلی سخنان خنک استعمال کرده اند. § بانوی حکمران رومانی (ملیزابت) ۳۰ صد هزار فرانک تخصیصات خود را بمؤسسات خیرہ ترک نموده است. § در سلانیک تا کنون عدد موقوفین بہ دو هزار نفر رسیده است. همچنان دولت فرانسه و انگلیس قونسولهای المان و اطیش را در جزیرہ (مدلی) یونان توفیق کرده است.

انجمن و خلیہ

عاطفت و احسان خلافتیناهی
بمجرد رسیدن مژده فتح و فیروزی اخیر دارانل بسع مبارک اعلیحضرت شوکتیات مایونی منتہا درجہ موجب محظوظیت ایشان واقع گشته و بشکرانہ این کامیابی بزرگ هزار ایرہ بولاد عہدا احسان و بواسطہ وزیر جنک انور پاشا سلام سلامت انجام مایونی را باردوی پنجم کہ در دارانل دشمن را طرد و تنکیل نموده اند، فرستاده و دلآوران اسلامی را تطہیف و اعزاز فرموده اند.

سرور و شادمانی
انتشار خبر قہر و تدمیر قوای عدو در موع (سدالبحر) و طرد و تبعیدشان و پاک نمودن دارانل را از وجود لوث آلودشان، یکبارہ تمام خلق این پانخت از شادمانی بہیچان آمدہ و بشکرانہ این فیروزی تمام مکاتب تعطیل گردیدہ و اصناف و کسبہ و تجار و تمام طبقات بیدقہای رنگا رنگ بدست گرفته در کوچہ و بازارها با طبل و کرنای اظهار شادی و سرور نموده و از جادہ با مائی بوزارت جنک رفتہ و نطقہای بلیبی ایراد نموده و موفقیت اردو را تسعید و تبریک کرده اند. همچنان بسیاری از شاگردان مکاتب برفاقت ہیئت معلمین خود با کمال انتظام بوزارت جنک و سرکز ولایت استانبول و وزارت معارف رفتہ و نطقہا گفته و جواہای مناسی شنیدہ اند. تمام کوچہها و بازارها و خانہها شب و روز با بیدقہا آرایش پذیرفته و مردم چرافانی نموده اند. جم غفیری سرباز از جمعیات ملی و اتباع صادقہ عثمانی بسمت (پک اوغلی) رفتہ و در مقابل سفارتخانہ المان، اطیش و بلغار نطقہا و تمنا بپوشا داده اند. تمام مقالات افتتاحیہ مطبوعات این پای تحت ہمہ متعلق باین فتح و ظفر آخرین موشح و شہین گردیدہ است. از ولایات عثمانی تلگرافها تبریک بصدارت وارد شده است.

مقهوریت انگلیسان در عراق
از قرار خبرهای تلگرافی اینقہ، قوای انگلیس در عراق سہزار کشتار داده و کربخته اند. § اعلیحضرت مایونی بشکران (باور) و (ورنبرک) (باد)، (ساکس) مدالهای نقرہ و طلائی امتیاز بامدال مخصوص جنک را بخشیدہ و مدالہارا با ہیئت مخصوص روانہ فرمودہ اند. § ہیئت سرباز از جنرال (ریت مایستر) (فون رایت) (پلون) کہ حامل مدالهای مخصوصہ برای عساکر عثمانی میباشد، اینقہ وارد این پانخت کشته و بعد از نماز جمہ بحضور اعلیحضرت خلافتیناهی شرفیاب شدہ و یک جنبہ نمونہ اومغانہای را کہ وزارت جنک اطیش برای سربازہای عثمانی بسمت و توسط ایشان روانہ کرده است، بہ پیشکاہ مایونی عرض و تقدیم نموده و مورد توجهات خسرانہ گردیدہ اند. § عساکر عثمانی در آنظارطہ و آوی پرونی دوبارہ بسیاری از غنائم جاماندہ دشمن را از زیر زمین بیرون آورده اند کہ قیمت آن ہزارہا ایرہ است. باز در همین ہفتہ توپچیہای عثمانی دوطایرہ دشمن را در دارانل با کولہ صدمہ زدہ و زمین انداختہ و یکی از راصدین آنها را کشته و دیگری را اسیر کرده اند.

اعلان
مادام ویکتوار دانون کہ از مکتب عالی موسویان درباریس مأذونست، اکنون در (شیشلی) قیر سوقاق نمردہ ۱۲ باصول و تجارب علمیہ خودش بدرس دادن زبان فرانسه با اجرت معتدل مشغول میباشد. مومی الہا در ظرف سہ ماہ شاگردان خود را قادر بر تکلم خواهد نمود. بطالبا ن تحصیل مالین معامله را توسیہ مینمایم. مطبوعہ مدیرمسؤل صاحب امتیاز شمس محمد توفیق سید حسن

صاحب امتیاز

سید حسن

KHA VAR

Directeur, Propriétaire. S. HASSAN

Stamboul

ہفتہ یکبار طبع و نشر میشود

قیمت یک نمرد ۱ غروش

خاور

سر محرر و مدیر امور

س. م. توفیق

ادارہ خانہ روبروی باب مال در مطبوعہ شمس است

نمبرہ تلفون: ۲۹۵

قیمت اشتراک: سالانہ

در سلامبول ۶۰ غروش

در مالطہ ۷۵ غرش

در ایران ۳۵ قران

در ہند ۱۰ روپیہ

در جاک سائو ۱۷ فراتق

در این جریدہ ہر قسم مقالات تاریخی و سیاسی و علمی و ادبی درج و از منافع دول و ملل اسلامی بحث میشود و کلیہ مقالات عام المنفعہ پذیرفتہ و در انتشار و ردان بصاحبش روزنامہ ازادست.

قیمت اعلان عادی سطر ۳ و اعلان بانک و امور صرافی (۵) اعلانات معتکہ کہ در جای حوادث درج شود سطر ۱۵) غروش است.



جناب آقای نظام السلطنہ سپہسالار اردوی ملی ایران

جناب آقای نظام السلطنہ حاکم لرستان کہ از عناصر صحیحہ ایران است از ابتدای مشروطیت تا کنون در ہر موقع لازمہ وطنپروری خود را اظہار و در ہمہ مأموریتہای خویش ہمہ کونہ لیاقت و فعالیت ابراز فرمودہ و در قلوب ایرانخواہان یک محبت مخصوص حاصل نموده اند. اینک بموجب تلگرافات واصلہ خبر تعیین ایشانرا بکومانڈانی عموم اردوی ملی ایران استخبار مینمایم. از اخبارات واصلہ معلوم میشود کہ جناب معزی الیہ بنا بہ تصدیقات و تہدیدیاتی کہ حکومت روس و انگلیس درباره حکومت ایران اجرا داشته اند در علیہ حکومت مزبورہ بہ مخاصمات آغاز کرده اند. از درگاہ احدیت مستثبات مینمایم کہ توفیق خود را رفیق و عموم مسلمانان را نصرت و فیروزی عطا فرماید. ادارہ خاور حضرت معظم الہا را با کمال خلوص مینمایم کہ توفیق کرده و موفقیات ایشانرا در این کردار عمومی خواهانست.

تاریخ غیر از تکرر نیست

۱۱۴۸ - ۱۳۳۴

[التاریخ یبید نمسه]

(این خدوه)

وقتی که خود را قهرقاربی بازگردانیده و با چشم حقایق بین وقایع سال ۱۱۴۰ هجری ایران را تحلیل و تفکیک نمائیم ، ومانند يك شاهد بیطرفی تاریخ ایران را مشاهده کنیم ، می بینیم که در آن هنگامه رشته امور و اداره دولت (صفویه) از هم کسبخته ، آثار نظم و نسق در کارهای کشوری و لشکری مفقود ، ایالات نزدیک و دور دست ایران از نعمت استقامت و انسجام محروم و يك خودسری و خودخواهی بی پایانی - آنارشی و اولیگارشی - در قلمرو وسیع کشور [آریایی] قدیم حکمفرما میبود که سررا ازبای و سالاران را از زبردستان جدا کردن بسی دشوار بود . شیرازه سیاست و تدبیر مملکت نه بطوری از هم پاشیده بود که جمع و تفلیق ، تدارک و تلافی آن ممکن و آسان بنظر آید . هر حاکمی ، قلمرو حکومت را از آن خود دانسته و باصول مرکزیت و سلطنت ایران بقدریال پشه اعتنا نکرده ، بفعل مایشاء و بمحکم مایرد رفتار مینمود . سرداران و رؤسای ایالات نیز بر همان نهج هر کدامشان خود را رئیس شمرده نه بدولت مالیات میدادند و نه سربفرمان شاه میکشادند . دزدان و راهزنان در سر هر قله کوهی خود را حاکم و مالک رقاب پنداشته میکردند آنچه نکردن بود . روابط و اتحاد حکومت با ملت فوق العاده کسبخته و باره باره شده و هزاران فکر وامل در کله های پرباد جولان و گردش میکرد . شاه سلطان حسین صفوی که نمونه عجز و ذلت محض بوده و تمام عمر خود را بقلقیات و قیل و قال صرف کرده و در مهمام امور جمهور و تدویر کردونه امور جزاز رخاوت و سستی هنری نداشته روزهای آخرین سلطنت و حکمرانی خود را بسر میرد . طوائف ترکی تمام ایالت و ولایات شمال شرقی ایران را دقیقه بدقیقه تهدید و غارت مینمودند و اموال و دارائی ایرانیان را بغارت و بیجا برده ، زنان

و فرزندان ایران را برسم غلامی پیش ستور خود انداخته بهر سوکه میخواستند میبردند . افغانه بزیر سرکردگی (اشرف) و (محمود) قلبکه ایران و پانجتنش را تهدید کرده و چشم طمع را بر نواح و تحت کیسانی دوخته بودند . تقسیم ممالک ایران را هدف مقصود اتخاذ و از هر سو بر حدود و سینور آنجا تاخت و تاز مینمودند . در آن اوان نحس مقدرات ایرانیان بدست (ملاباشی) و چند نفر درباریان خائن شکمپرور مانده و در خون ورك آنان ذره از آثار حمیت ، غیرت و وطنخواهی بجا نمانده درین کشمکشهای سخت خانانوسوز کشتی استقلال ایران دچار چار موجه و طوفانهای بلاخیز گردیده ، متصل معروض فنا و اضمحلال ، مدام محکوم تباهی و نابودی بود . ایران ۱۱۴۰ نه معین ، مددرس ، نه سپاه و لشکر داشت ؛ و نه کله های متفکر و وجودهای باعزم و دماغهای فداکار را دارا بود که اسباب استخلاص و ادامه حیاتش را بیندیشند و آن مملکت قدیمه را از دست تسلط استیلا کنندگان بیرونی و از اسب دوانی و تاراج اشقیاء و متسلطن اندرونی رها دهند . فکر هر چه و مرج ، داعیه فقر و تسلطن ، شسقاق و نفاق ، اغراض و امراض آنقدر در داخله ایران حکمفرما بود که تمام عقلا را قطع و یقین بسقوط و انقراض سلطنت حاصل کشته و قلوب جزء قلیلی از وطنخواهان را بیم و اندیشه فلاکت حقیقی و تقرب فنا و زوال احاطه و استیلا کرده و در دل خونشان روان بود .

ناگاه از زیر ابرهای کشیف مخوف ، نور حقیقت منجلی و بانواع زرین و تیرهای سوزان خود محیط بلادیده ایران را نائل حیات تازه و جسم بر قنور کشور را خون جلاوت و فعالیت بخشیده ، خرمن هستی دشمنان درونی و بیرونی را آتش زده و در میان آنهمه رزایا و مصائب ، پریشانی و نوائب ، يك ایران تنومند جوانی را از آن ایران کهن پوسیده شکافته و از سال ۱۱۳۹ تا سال ۱۱۴۸ هجری حدود و دیوار

های ایران را تادروازه (دهلی) و آنسوی (ایروان) و (کنجه) توسعه داده و دست تطاول دزدان و اشقیاء را از دامن محیط پاك کشور کوتاه و آنرا از همه کونه انقسام و تلاشی ، انقراض و اضمحلال و يك رهانیده و يك «ایران يك و آزاد» را از سرنو فرام و تشکیل نمود .

کسانی که دیباچه و فصول داستان ایران را با چشم دقت و امعان خوانده و اوراق و وثایق تاریخی آن مملکت را تصفیح کرده اند ، بخوبی میدانند که در آن هنگام ایران يك «انقلاب» بزرگی را طی کرده و در نتیجه آن تمام امور سیاسی ، قضایی اجتماعی ، ادوار تکامل خود را بیایان رسانیده و بازار سرنو دارای شئون ترونازه ، فضای صافی و روشن گردیده است . موج این انقلاب سیاسی و اجتماعی ، فرام آورنده این موهبت کبری و نعمت عظمی (نادرشاه) افشار بود .

تاریخ ایران - جهان - نام نایب این رادرمرد برد را نه چنان نقش صحائف و زبور ستون صفای خود نموده ، که با سانی محو و نابود گردد . بلکه نام نادر شاه مستخلص ایران تا باید در تاریخ و در مغز هر ایرانی جا گرفته و برور دهور و اعوام پاك شدنی نیست . اجتماع بزرگ (سحرای مغان) و اعلان (طهماسب قلی خان) بسمت شاهنشاهی ایران و پوشانیدن تاج و دیبهم کیانی ، یکی از حادثات بسیار بزرگ تاریخی و انقلابی شمرده میشود آری پس از راندن اعداء خارجی و تطهیر طرق و شوارع ، تشکیل و تدبیر متسلطن و منهکمین و فرام آوردن آرامش و آسایش عباد فر مانده کل قوای لشکری ایران مسمی بعنوان نیل (نادر شاه افشار) کشته و صاحب تخت و افسر گردید .

اکنون ایران بدبخت ما دچار همان فلاکت



و پریشانها شده سهام فنا و زوال او را تهدید میکنند ، میخواهد هستیش را از دستش بگیرد و يك تاریخ مشمش هزاران ساله اش را با عبارات سیاه تاریک تیره و کورسازد . اوج و بلندبهاش را برده و او را بنهتا درجه پستی و انحطاط فرود آرد . همان اوضاع و احوال زشت ناملام آخرین دوره صفویه - که عبارت از تفرقه و نفاق ، مطامع شخصی ، بی جگری ، کم خونی ، بزلی ، حب منفعت ، کاسه لیبی و کفش بوسی و نیا رذیله و بد اخلاقی بود ، اکنون در اندرون چار دیواری ایران از یکسو حکمفرما ؛ و از سوی دیگر دشمنان پست فطرت ، و دیو سیرت چشم خود را باستقلال و هستی کشور محبوب مادوخته و برای ترویج کار خودشان در کشور ما آلات و افزاری چند از بعضی ناخلفان تراشیده ، میخواهند زندگی ما و حییات استقلال دولت و ملت ، کشور ما را سپری کنند و يك تاریخ بارونق ایران را نیست و نابود سازند - در ایران مششوم الساعه ما سر بازو کنجه ، رجال باعزم و حمیت درباری نداریم . از داخل اشقیاء و از خارج اعداء برتار و بود ما و کشورمان ناخته اند . خصوصاً پاك کار زار جهانگیرانه هم بعلاوه برپا کشته و اسرافیل صور خود را میدمد و فرداست که روز قیامت و ساعت اشراط

برپا کرده ، و ما کاری نکرده ، توشه نساخته رهنورد اضمحلال و فنا کردیم . اینست که دوباره ایران در رختخواب مرض و بجران مداهش خود بانفس ضعیف و وجود ناتوان و نحیف مینالد و این «هل معین یعنی ، هل من ناصر یصرنی» جله را متصل ورد زبان خود میکند . هیئت ایران امروزه جداً محتاج پاك (نادر)

عالم اسلام

میشد که فرش و مهادهستی او را از لوت و آایشها پاك کند و خاك مذلت و پستی را از دور او تکان دهد و بساط استقلالش را طوری بالا بکشد که دیگر از دست تجاوز دشمنان مصون و این نماید .

چه دانی تو که این ساقی بفردا چه میرزد از این مینا بساغر

ایران

خبرنگار مخصوص ما می نویسد :-

« وضعیت دولت روس و انگلیس در مقابل دولت ایران دورویه بوده ظاهراً بسیار آراسته و خوشنما است . اما باطنش از بازار جهود درهم و برهمتر و پراز سوسه نیت ، دفا و قریب ، خدعه و تدلیس است . هر کسی که روزنامه های روسی را بخواند و بیانات ساسانوف و دهنسای صلاحیتدار روس را تدقیق کند از اعماق قلوب و طرز بولتیک ایشان بخوبی آگاهی حاصل مینماید . غرض و مقصد این دولت اینست که نکذارد ایرانیان در انشای این جنگ عمومی از جای خودشان تکان بخورند و حرکت ببارکتی بکنند و نظری بتأمین منافع

حقیقیه خود پندازند و سنسکتی خود را در ترازوهای دشمنان روس و ائتلاف بگذارند ، و بادولت عثمانی اتفاق و دوستی بکار برند . زیرا امروزه تفلای ایرانیان برای حییات آتی و منضم شدنشان بدول متفقہ متخاصمه و نشبث با استفاده کردن از وقت من کل الوجوه مخالف آمال و افکار حالیه و مستقبل روس و انگلیس میباشد . لهذا تمام هم و غم خود را از آغاز تا کنون صرف برین کرده اند که طرح دورنگی رامیشان ایرانیان ریخته و با کاشتن تخم نفاق در میانشان اسباب اختلافات را فراهم بیاورند و در آب گل آلود ماهی بگیرند . سفر این دو دولت مقیم طهران ، متصل بدولت ایران زمین های سبز و خرم نشان میدهند و از کیسه فراخ - کبی نه و سوراخ است - وعده های

هنکفت میدهند ، ممالک دیگران را می بخشند ، استقلال موهومی ایران را تأمین میکنند . عدم مداخله در کارها را بگردن میگیرند و و و و . . . الخ . اما وقتی که روی دیگر کار را با چشم دورین بقور تحقیق نمائیم ، می بینیم که هنوز این دودولت دست از خیالات و سوء نیات سابقه خود بر نداشته و در تقسیم و الحاق ایران کافی السابق مصمم هستند . بلکه يك ساعت زودتر مطبوعات روس بدولت خودشان تطبیق مقاله ۱۹۰۷ را توصیه نموده و تعیین يك فرمانفرمائی را برای ایران مینمایند . اگر چه این اواخر درباره ایران قدری سیاست معتدلانه تعقیب میکنند و باتباع خود و قونسولهایشان سپارش کرده اند که مالیات ایران بدهند و حسن رضایت دولتهای متبوعه

خود را بدولت ایران تبلیغ کرده اند، اما تمام این حرکات محض اینست که تشبیهات رقیبان و هم چشمان خود را محکوم بعقامت گذارند. بعد از نائل شدن بامل خویش باز همان کاسه و همان آتش خواهد بود. اساساً تعهدات دو دولت کرک صفت پرزور - که همیشه قدرت یاره باره کردن میش را دارند - در مقابل کوسفند سالم چه اهمیت و اعتباری توان داشت. فرض محال چنین بینکارم که تمام دنیا را روس و انگلیس برای جذب کردن ایران - درین اوان - باو بدهند، بعد از تمام شدن جنگ آیا ایران آن قدرت و قوت را خواهد داشت که متعهدین را الزام کرده و حقوق خود را از دستبرد آنان نکهدارد؟ در جواب این سؤالها بمقتضای احکام لایتغیر طبیعت (دستور قوی و ضعیف) باید گفت «خیر» درینصورت منفعت جدید ایران در دوستی بادشمنان روس و انگلیس است. چونکه ایشان آمل استیلاجویانه ندارند و اگر هم داشته اهن شمرده میشود. نرمی زبان و چربی حرکات روس و انگلیس موقت بوده و تنها برای تأیید عوعوه طرفداران و هوا خواهان خود شانست، تأیید بواسطه بر عقول بسیطه مسلط کشته و همگنان را فریبند، دلیل زنده مدعای من همان احوال روز هفتم ماه محرم و عزم و تصمیم اعلیحضرت شاه جوان و حرکت موکب هایونی است. اما افسوس که انتریک روسها و اغفالات طرفدارانشان کار گرفتار و شکل کار را در کون نمود. اگر خامه ام در بسط و ایضاح حقایق آزاد میبود و پاره تصورات و وطنخواهانه مانع دریدن بردهان بودی، آنوقت یکان یکان باده نارنججه تمام وقایع ششماهه را مینوشتم و سبایه را بر سفیدی میکذاشتم تاریخی خائنین سیاه شود و منمشوش و درست از هم جدا و معین شوند. افسوس که هنگام نشر حقایق و ابراز و نایق نرسیده است. بنابراین من هم عنان خامه خود را جلو گیری کرده کارها را حواله بوقت مرهون مینامم. ولی بدون شبهه و افسان رموز میدانند چرا ذات هایونی عزم خود را تافت و کدام اشخاص بحضور رفته و چه گفته اند؟ هر کس سبب استغای آتی (مستوفی الممالک) را میداند. همه معنی بیاننامه کزایی را میفهمند. همه

دانسته اند چرا وکلای مجلس (منسوب بفرق و مسالک مختلفه) بقم رفته اند! و چرا بعضی روزنامهها لب فرو بستن را بر کفتار ترجیح کرده و کلاغها و زاغهای خرابه زار میدان را تنها یافته مشغول یاره سرایی و زمزمه وزیر زبانه ترویج سفارت بیبه روس وانگلیستند. چون هنوز من و جمعی از وطنخواهان قطع امید نکرده ایم، ازین جهت سکوت را الساعه ترجیح میدهم. خبرهای ایران خیلی مشوش است. روسها در آذربایجان آمر و ناهی میباشند. بواسطه پیروان خودشان - که همه دور و بر حضرت والا هستند - میکنند آنچه نکرده اند. در اطراف و جوار آذربایجان قوای خود را تمشید نموده اند. از قزوین بطرف همدان مقداری قزاق روسی برای جنگیدن با مجاهدین روانه شده اند اما در شهر (سنه) شکست فاحشی خورده و کربخته اند. قوای ملی و داوطلبان و مجاهدین با کمال اشتیاق در (قم)، (عراق)، (همدان)، (کرمانشاهان)، (اصفهان)، (فارس) مشغول اجتماع و مشق سربازی هستند. وکلای مجلس با شهرهای ایران مشغول مخبرات بوده و تکلیف خودشان و ملت را معین کرده اند. تمام دموکراتها آمده و مهای فدا کاری بوده و کرمهت را برای استخلاص آزادی و استقلال ایران بدامن زده اند. علمای عراق با حضرت آیه الله اصفهانی مخاره کرده و بجمع اعانات مشغولند. اعانات زیادی در هر طرف جمع شده است. بنا بر خواهش و تلکراف حضوری آقای مستوفی از هر حزبی دو نفر نماینده قرار برفتن طهران داده اند تا اکثریت را تشکیل داده بمذاکرات بپردازند. سفیر دولت المان (برنس روئیس) بقم رسیده و مراسم استقبال در حقش معمول گردیده و عازم بغداد است. ایشان چون بچارند برای تبدیل آب و هوا از ایران مفارقت کرده اند. نایب حسین کاشی که رو برام طهران بوده و از حکومت تأمینات خواسته بود، در عرض راه همدان رفته و بمجاهدین ملحق کشته است. اتباع خارجه مقیمین عراق بتجارخانه امریکایی پناه برده اند. آقای منتصر الدوله (میرزا علی خان) که از بزرگان مجاهدین است، املاک عراق سهدار را در مقابل جهل هزار تومان طلب شخصی خود گرو گرفته است. قزاقهای

شکست خورده از همدان فرار کرده بطهران آمده اند. مکر دج نام ارمی که ظاهر آنلکرافچی ولی در حقیقت جاسوس انگلیس بود، بمجاهدین بر از جان او را اعدام نموده اند. اگر کابینه فرمانفرما برخلاف آمل ملت و افکار عمومی قدیمی برداشته و بادشمنان ایران بندوبستی بنماید، انقلاب بزرگی در ایران حکمفرما خواهد شد. اما هنوز عقلا نا امید نیستند و کان میکنند که یک شاهزاده ایرانی شرف و حیثیت خانواده خود و تمام ملت را بامال کند و مهار خود را بدست روس و انگلیس بسپارد. و استخوان نیاکان خود را لکد کوب قزاقهای وحشی روس بنماید.

تلکرافهای راجع بایران

ورود عساکر عثمانی بکرمانشاه

ازانس تلکرافی ملی بنا بر تلکراف خبر نکار خود خبرهای ذیل را منتشر نموده است: «عساکر عثمانی وارد کرمانشاهان شده و اهل شهر و ایلات در حقشان مراسم استقبال و پذیرایی اجراء داشته و با کمال شادمانی و سرور پذیرفته و شهر آیین و چراغانی کرده اند.»

تقدیم اعتمادنامه

جناب جلالآتاب آقای حسینقلی خان نواب سفیر کبیر ایران مقیم برلن اینهمفته اعتمادنامه خود را رسماً باعلیحضرت امپراتور المان تقدیم نموده و لطق مناسبی مبنی بر حسن مناسبات جاریه بین دولتین ایراد نموده است. امپراتور نیز جواب مناسبی بیان و دوام و تأیید مخادنت هر دو دولت را خواسته اند. در اثنای این مراسم جناب (فون یا گوو) وزیر خارجه المان حضور داشته است.

ضایعات روسها در ایران

میان کرج - طهران، قوای مجاهدین و ژاندارمهای غیور ایران باروسها جنگیده و بعد از کشتن هزار قزاق روسها را عقب نشانیده اند. درین جنگ ضایعات مجاهدین تنها دو بیست نفر بوده است.

در آذربایجان

در اینهمفته چند بار جنگهای سختی میان

عساکر اسلامی عثمانی و روسهای وحشی در آذربایجان هم رسیده است که در تمام وقایع فیروزی و نصرت هم رکاب مسلمانان بوده و شکست و فرار نصیب روسها کشته است. قوای عثمانی روسها را از چند جا بیرون کرده و کربزانیده اند. در (میان دو آب) عثمانیا بر روسها از چهار جهت هجوم آورده و قوه متعوبه شان را شکسته و کربزانیده اند. روسها ۱۵۰ مقتول بر زمین گذاشته و بطرف (ملک کندی) کربخته اند. در جنگ (صاوچیلایق) نیز میر پنج فوجهای روس (زاخاروف) مقتول افتاده و ترکها روسها را باستقامت (سلدوز) مشغول تعقیب میباشند.

مصر

مصرهایی که بمناسبت جنگ از وطن خود دور افتاده و در (سویس) توقف دارند، بمناسبت سر سال جلوس خدیو سابق مشروع، جشن گرفته و جلوس او را تبریک گفته اند. انگلیسان ورود زنان را بمصر منع کرده اند. سربازهای مغلوب داردانل را انگلیسان بمصر نقل کرده اند. فوق العاده انگلیسان از هجوم ناگهانی اردوی عثمانی اندیشنا کنند. متصل بر تحکیمات کانال افزوده و کشتهای جنبی داخل کانال را بارنگ آبی رنگ کرده اند که از دور دیده فشنوند. بومیان مصری متصل انبارهای انگلیس را آتش میزنند. سربازهای انگلیس از ترس خود شها تنها نمیکردند. چونکه صربها هر وقت آنها را تنها می یابند، میکشند.

شهادت یک هندی وطنپرور

میرزا (عبدالقیوم) یک که اصلاً از خانواده های قدیم (دهلی) هند و برادر

زند بیداری

ماملیونها فرزندان ایران بیداری غربت افتاده از وطنان دور و مهجوریم؛ وقتی که بترقیات دول و ملل چندین ساله مانند حکومت بالکان - که در تاریخ هیچ موقع ممتاز و امتیازی ندارند، سلطنت و استقلال خود را از هر گونه

زن مرحوم (عزیز میرزا) کاتب عمومی All India moslem League بوده و از اوان شباب در (حیدرآباد دکن) اقامت داشته، درین اواخر بنا بر تصویب دوستان هندی خود از این پایتخت روانه (بغداد) شده و در آنجا کرم حیت را برای فدا کاری و خدمت بعالم اسلام بسته و بعد از اینکه جم غفیر از هندها راجع نموده و داوطلبانه شریک جنگهای عراق کشته و با انگلیسان مشغول کار زار شده بود. بعد از مدتی اینک در یکی از جنگها با کمال



بهادری و دلآوری شربت شهادت را نوشیده و بزمره شهدای صالحین ملحق کشته و روح پرفروش باعلی مقام علین پرواز کرد. ما را با آن جوانمرد غیور نهایت دوستی و مودت در کار بود و همیشه از صحبتهای شیرین و اخلاق درستش مستفید و مستفیض میشدیم. پیش از نیکه و وانه مقصود شود، در اثنای مصاحبه می گفت «کان میکم این باره دیگر نخواهم

مقاله مخصوصه

برکشت و کشته خواهم شد. زیرا مرحوم قبل از نیکه بعراق سفر کند، برای ادای مناسک حج بجناب مجاز مغفرت طراز عازم شده و بعد از زیارت روضه نبوی باجمعی از مجاهدین هندی بطرف کانال (سویس) روانه شده و مدتی با انگلیسان در آنسامان جنگیده و شجاعت و قوتهای بیشماری ابراز کرده بود، بطوریکه تقدیر و تمجید فرماندهان عثمانی را جلب نموده بود. مغفور خلد آشیان همیشه یکی از طرفداران پر جوش و حرارت (اتحاد اسلام) میبود. حسیات اسلاخواهانه خود را بارها ابراز و اثبات کرده و در اثنای جنگ عثمانی و ایتالی در حیدرآباد دکن اعانات بسیاری جمع نموده و برای تدای زخیمان اسلامی روانه کرده بود. درین جنگ کدشته عثمانی - بالکان نیز بیست عضویت جمعیت هلال احمر هندی با این پایتخت آمده و در مریضخانهها خدمات جالسپارانه بجای آورده بود. خبر شهادت این جوانمرد مایه افسوس مالاتهایه و اندوه ما و همه آشنایان او گردید. شکی نیست که خدمات در خشان مغفور نزد وطنپرستان و هموطنانش که او را بخوبی میشناسند هیچ وقت ضایع و نابود نخواهد شد. تاریخ آزادی آینده هندوستان نام نامی این شهید محترم را ثبت صحایف زرین خود خواهد کرد. بنا برین روزنامه (خاور) در دو ستایش نامعدود خود را بر روان مرحوم اتحاف نموده و برای بازماندگان از درگاه الهی اجر جزیل و صبر جمیل را خواهانست. [رحمة الله علیه رحمة واسعة]

سعدیا مردنکو نام نمرد هرگز مرده آنست که نامش بتکونی نبرد

تجاوز نیکه داشته اند - مینکریم جکرمان کباب و دلمان خونین میکردد. ماتهایی که همه گونه شئونات خود را از دست داده و در زیر شکنجه استبداد محکوم و معروض مانده اند، باز مانند روز اول عادات و اطوار ملی خود را محافظه میکنند. چون احوال این اقوام را با حالت خودمان مقایسه و مقایسه میکنم غریب بهت

و حیرت دچار آلام و کدورت شده، آب نأسف از دیده نمجر جاری میشود. امروز دولت روس در همه جا و هر نقطه مغلوب و مانند روباه شکست خورده و کربزانیست. تا کنون هیچ دولتی بقدر روس - درین جنگ پریشان نشده و با این اندازه غناش بدشمنان خود نداده است، شهرهای بزرگ و سه هزار

دهات معمور روس که هر يك از آنها را دولت روس مليونها صرف کرده ، از روی اصول جديد وقواعد فنيه اعصار کرده وقلمه های حصين وباروهاي متين واستحكامات طرز نوين با توپهای بزرگ نو ایجاد ، هزاران متراليوز واسلحه ساثره محکم وآراسته کرده بود ، با ذخاير و قورخانه و مهمات جنبی که ما از شمردنش عاجزیم ، همه آن بدست اردوهای المان واطريش افتاد . ضايعات وخسارات مادی ومعنوی روس آنقدر بسیار است که ابدأ نمیتوان این جنکرا باجنک گذشته ژاپون - روس شباغت داد . ملائکه مقررین - که موکلین فتح وظفرند - همیشه در اثنای این جنک بالای سرعسا کر اسلامی عثمانی ومتفقین اوپرواز نموده فیروزی را بایشان بخشیدماید . برای انتقام گرفتن از روس خداوند این جنک را برپا کرده که مسلمانان عالم چشم خودرا بازکنند و کینه خودرا بستانند و اسباب استقلال وآزادی کشور خودرا فراهم ومهیا سازند .

ولی دولت روس برای آن جان میدهد ، زیرا هنوز ایران مانند یکدوشیزه میباید که دارای همه گونه آرایه وپیرایه وحسن وآن میباشد . ایران دارای معادن وخزائن لايفسای طبیعی است که تاکنون در ناف زمین ودل خاک پنهان ومکتوز است . اینست که روسها میخواهند ایران مارا تسخیر کرده وتام ثروتش را بیرون آورده ، اسباب سعادت ورفاه خودشان را تهیه کنند . بلی دولت غدار روس باستقلال سیاسی وآمال ملی ماقصد کرده ودرصد زدن ضربت آخرین برآمده است که مارا سرآسپه وبيطاعت نماید ، ونکذارد دیگر ما کر خودرا راست کنیم وبشکيلات ملیه واجتماعیه بپردازیم . روسیه در اعهای ملل وربردن استقلالشان بفايت ما هر وچالا کست . تا حالا حکومتهای کرچی ، لژی ، قفقاز ، بخارا وخیوه ، تاتار وترکستان ، جهستان ، لهستان ، چرکستان ، قریم وقازان را از پای در آورده وطوق اسارت را بکردن جمله آنان انداخته است . تمام این ممالک مانند ایران هر کدام فرماروایی داشته ومستقل بودند . روسها آنان را چنان باخاک یکسان کرده اندکه امروز هیچیک از آنها قدرت اظهار حیسات را ندارند . زبان مادر زادشان ، دین ومقدسانشان ، معابدشان ، ناموس عصمتشان محکوم زوال واضمحلال گشته است . ممکن نیست خردمندی این ملتها را به بنید واز احوالشان آگاه شود وبر حال زار شان سرشک از دیده بریزد . دولت روس آسیای وسطی را استیلا کرده ومیخواهد ایران را هم ملحق بان کند . ازینرو بادولت انگلیس درین باره یعنی تقسیم کشور ما عهدویمان بسته وتاکنون قسماً نائل امل شده است . حالا میخواهد ازین فرصت وپیشامدها استفاده کند وبقیه را هم ببلعد . دولت وملت ژاپون که از آمال استیلاجویانه روس در (اقصای شرق) آگاه شده ، سابقاً ولاحقاً جلوگیری کرده وسد بزرگی درمقابل روس کشیده است که هزاران سال دیگر روسها آنرا باسانی رفع نخواهند

جنک بالکان

اطريش درین سرمای زمستان و برف وباران سخت باکمال فعالیت مشغول هجوم بر قره طاغ کرده واینک این هفته بعد از اسقاط شهر

نمود . فکرسیم روسها خانه کشیدن بردولت ابدآیت عثمانی - که بکانه حکومت مستقل اسلامیت - میباشد . برای تطبیق افکار وآمال خود همیشه روسها دولت عثمانی را بجنسک دول بالکان می انداخت که او را ضعیف ناتوان سازد ودر آخر شکار خودرا بچنگال درآورد . اما این اوقات عاطفت بزدانی والطف ربانی بنوی فراهم آمده که اولیای دولت واذیکای ملت عثمانی چشم وکوش خودرا باز کرده اروپا متفق شده دمار از روزگار دشمنان برآورده ، وشالوده واستقبال این مملکت اسلامی را از سر نو محکم ریختند . مسلمانانی که در زیر اداره روسیه گذران وزندگی مینابند ، درجه مظالم واعدایات روس را بخوبی میدانند . این دولت به هزاران بهانه از ابتاع خود مالیات میستاند . حتی بر کربها وسلکها نیز مالیات طرح کرده اند . از زنده ومردم بعنوان مالیات پول میکیرند .

در باره مالیات ومظالم روسها مشغول نوشتن بکرساله مفصلی هستم که انشاء آن را بطبیع وانتشار خواهم رسانید تا کافه مسلمین ، خصوصاً ایرانیان بخوانند واز حقایق مندرجاتش عبرت گرفته ، کنه وماهیت حقیقی روس را ادراک کنند .

ای هموطنان عزیز بدانید که امید دولت روس از استیلاي چین وژاپون وممالک عثمانی سرنگون شده و اکنون چشم خودرا تنها بایران ما ، وطن ما دوخته ومیخواهد آن را پاره پاره کند . پس شرط عقل وانصاف نیست که ما باز گرد تبیلی وعطالت وی حمیق بگردیم وبگذاریم روس وانگلیس بایک ضربت آخرین هستی مارا نیست ونابود کنند . درینصورت بیدار شوید وچشم از خواب باز نمائید ودر راه وطن مقدسات اسلامی بکوشید ، تا جامه زنان نپوشید !

برجای جام ورطلمی کورانها دستندنی برجای جنک وعودونی آواز زاع است وزغزل! سلانیک ۰۲ اردبیلی

(لوفچین) پیش رفته واز مواقع مرتفعه وشواحق جبال صعب المرور گذشته وپای تخت قره طاغ شهر (چیتنه) را ضبط نمودند.

کم کم قوای اطريش بساط استقلال این حکومت کوچک مغرور ، خود سر را مانند همسایه اش خواهند چید . چنانچه حکمران صربستان الساعه بی تاج وتخت وی مملکت واتباع مانده وممانند ولگردان بهر سودوانست ، فرمازوی قره طاغ (نیگیتا) هم بهمان نتیجه وعاقبت محکوم است . این دو حکومت کوچک که از بدو امر آلت سیاست دولت روس در (شبه جزیره بالکان) بوده وهمیشه در برابر دولت اطريش يك سدوحائلی تشکیل مینمودند ، در نتیجه کستانخی وتجاوز خودشان بچکم طبایع ایشیا قهر وتنگیل شده وسزای رفتارهای ناهنجار ونارواییهای خودرا یافتند . بعد از سقوط (چیتنه) مقر حکومت ، نیگیتا فرمازوی قره طاغ برای تسلی قوای عسکریه خود این جمله را بکار برده وخواسته است که قوه معنویه سربازهارا دوباره تقویت داده ، آنها را تشجیع کند : - « خدا بزرگست وامپراتور روس باقوتست . هم خداوم امپراتور مارا از استیلاي اطريشيان در آخر جنک آزاد خواهند ساخت ، یکی از سربازهای پیر که سخن دهر واضطر .

اب ایام گرش را خنایده و بیخ و خم بچهره و ابرویش افکنده بود ، بی محابا در مقابل حکمران بی مغز خود گفته است که « خداوند دور است وبار کناهکاران و مجرمان نیست که مارا یاری کند ، امپراتور روس هم بکار درمان جویی درد دوانا پذیر خود مشغول است . وراهی برای یآوری با برای او باقی نمانده است . « حقیقته جوایی ازین بهتر برای حکمران مغرور ، کم ظرف بهتر ازین حرف سرباز تصور نمیتوان کرد . بهر حال قوای اطريش ازدوسوی عنان خودرا بر سر قره طاغ نافته ودر همین چندروزه کارش را با آخر خواهند رسانید ، و بکنار دریای (ادریاتیک) فرود خواهند آمد . آنوقت باد بر زخم دولت ایتالی میخورد . زیرا رسیدن قوای اطريش بلب دریای مذکور وپایین آمدن از قره طاغ بجا که (ارناؤدستان) که دولت ایتالی آن را از دریاکی منطقه نفوذ خود قرار داده ، اسباب سقوط خیال ومحو آمال ایتالی خواهد کشت . ایتالی خیلی کوشش کرد و کربهار قصانید تا در آخر کار پرنس (وید) حاکم ارناؤدستان را بواسطه آت اغراض خود (اسعد پاشا) مجبور باستعفا کردانید . ولی گاهی کان نمیکرد که دولت اطريش با آسانی بتسخیر وضبط صربستان وقره طاغ کامیاب شود . شهرهای (برانه)

و (ایپک) که در اثنای جنک بالکان گذشته بچنک قره طاغ افتاده بود اکنون صحنه جنک اطريشيان میباشد . در جنک گذشته بالکان اراضی وقصبه های معمور ومزروع نصیب قره طاغ شده وسعت پیدا کرده بود . اما خیلی نکذشت که بواسطه افسادات دولت روس این حکومت کوچک باهمسایه اش صربستان با تعقیب مسلک وآمال (بان اسلاویرزم) خودشان را محو ونابود ساختند . مطبوعات اروپا عموماً از اهمیت موقفی قره طاغ صحبت بیان آورده وسقوط آن را برای دول مؤتلفه ، خصوصاً ایتالی از ضایعات عظیمه میشمرند . مایکسال پیش درباره اوضاع حالیه این حکومت پیشین گوئی کرده بودیم . اینک تخمین وحس ما از قوه بفعل درآمده است . زیرا ما بخوبی میدانستیم که درین کار زار طالبکیرانه جانی که دولتهای بزرگ با رجای نبات نیستند ، البته حکومتهای کوچک صرب وقره طاغ محکوم زوال وقنا خواهند بود . همانطوری که ماهیان درشت وبزرگ در قهر دریاهای ژرف برای ادامه حیات ورمق خود ماهیان خورد وکوچک رامی بلعد ، همچنان این حکومتهای کوچک همیشه لقمه وطعمه دول بزرگ اروپا میباشد .

وضعیت تاریخی وجغرافیائی قره طاغ

حکومت قره طاغ دارای حکمران مخصوصی بوده وطرز اداره اش مشروطی ودستوری میباشد . قبل از جنک گذشته بالکان مساحت سطحیه این حکومت ۹۰۸۰ کیلو متر بود . بعد از جنک بالکان ۵۱۰۰ کیلو متر مربع بر اراضی قره طاغ افزوده شده وسعت خاکش به ۱۴،۱۸۰ کیلو متر رسید . عدد نفوس سابقش ۲۸۵ هزار وباشندگان اراضی جدید اش ۱۵۰ هزارند که من حیث المجموع تمام سکنه اش عبارت از ۴۳۵ هزار میباشد . بفر ازین در ممالک خارجه وامریکا ۲۰ هزار قره طاغی اجرای فعلی وصنعت میکنند .

ولایات ونفوس این حکومت از قرار ذیلست :-

مقدار نفوس	
۵،۳۰۰	چیتنه (بای تخت)
۱۰،۰۵۳	پودگوریچه
۵،۰۸۱	اولگون
۴،۹۷۲	نیگیشیچ
۲،۳۷۱	بار
۱۴،۰۵۰	یاقووه

قصبه های دیگر کوچکی را نیز دارا میباشد

مادر بجا از ذکر آن صرف نظر کردیم . راههای آهن قره طاع (۱) ۱۸ کیلومتر است . درازی خطوط تلگرافیش ۸۵۰ کیلو متر بود ، دارای ۲۴ مرکز تلگرافی و ۲۱ مرکز پستخانه است . واردات او بر حسب بودجه سال ۱۹۱۴ عبارت از ۴۱۸ هزار لیره ومخارجش ۵۰۵ هزار ومقدار دیون عمومیه اش ۴۷۵ هزار لیره است . قوای عسکریه قره طاغ بدوقسم منقسم بوده ، یکی قوای منظمه دیگری آنست که هر قره طاغی از سن ۱۸ تا سن ۶۰ سالگی در حین لزوم سرباز شمرده میشوند ، ودر اثنای ایام مخصوصه سالی چند روز مشق وتعلیم سربازی میکیرند . در (چیتنه) یک مکتب حربیه موجودست که صاحب منصبان قره طاغ از آنجا بیرون میآیند . قوای رسمیّه قره طاغ عبارت از ۱۲۰۰ توپچی و ۳۶ هزار سرباز محافظ حکمران میباشد . در حالت جنک حکومت قره طاغ دارای ۵۲ فوج بیساده ، ۱۲ باتری توپ و ۱۰۰ هزار تفنگ مختلف الجنس و ۴۸ توپ جبل و ۳۶ توپ صحرا و ۴۴ توپ بزرگ حصارای که همه ۱۲۸ توپ هستند . بتازی ۲۰ توپ مترالیوز خریده است که تمام اسلحه ومهماتش درین هفته بدست قوای اطريش افتاده است . اهل آن سرزمین چون کوهستانی هستند خیلی تندوعصبی وحید المزاج بوده وهر چیزی باسانی سرفرو و تیاورند و اقیاد نمینابند . حب نفس وغرور از اخلاق آنان شمرده میشود . زن ومرد همگی باسواری واستعمال افزار جنک ودر جیسارت ومهادری معروفند . در قرن شانزدهم سال (۱۵۲۰ - ۱۵۶۶) سلطان سلیمان قانونی (آنجا را فتح کرده وضمیمه ممالک عثمانی نموده بود . اکثر بلاد آنجا میان دره ها وبر فراز قله کوهها واقعت ، وهوايش خیلی سرد بوده وتامیسانه تابستان برف زیاد بر فراز کوهها وبشته هایش باقی است . چنانچه ازوجه تسمیه آنجا مفهوم میشود ، آن سرزمین شیه خاك (دشتستان) ایران میباشد که براز کوه وکئل میباشد . چندانکه قره طاغیان دارای صلابت اخلاقی هستند ، هاتقدر هم دردیانت مسیحیه خود متمصب هستند وطائفه رهبانی که منسوب بقره ومذهب (روم اورتودوکس) اند ، در میان قره طاغیان دارای نفوذ فوق العاده میباشد . موقع جغرافی (قره طاغ)

خیلی اهمیت دارد. چونکه با سه حکومت صرب، ارناؤد، بوسنه و هرمنسک همسایه بوده و برکنار دریای ادریاتیک واقفست که از نیرو باستانی هم مجاور شمرده میشود. گذشته از حقوق همجواری، حکمران ایتالی حالیه دختر حکمران قره طاغ را بزناشویی گرفته و با همدیگر قرابت

و قرابت دارند. در این باره (شلیا) و (شلیا) صلح خواهی قره طاغ از قزاقیکه حکومت اطریش را بر سر گرفته است. حکومت قره طاغ در این حال مسیحی تعطیل مخاصبات و ابستادار بمذاکره

متفرقه

§ وزیر هدلیه بلغار برای سرکشی اراضی مفتوحه سیاحت بانامان آمده است.
§ دولت المان از حکومت بلغاری چند راهب طلبیده است که باسیران روس پیشواپی کنند.
§ آسمان پیاپیهای المانی باز در سلاتیک بر روی قزاقک سربازهای انگلیس و فرانسه پریده و بوبهائی زیادی انداخته و ضرر جانی و مالی بدشمنان خود رسانیده اند.

اخبار و غله

ولادت باسعادت جناب رسالتنهای بمناسبت روز و شب ولادت بر منقبت رسول کبریا، حبیب خدا، شفیع روز جزا حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و علی آله و صحبه مؤمنین و مؤمنات مشغول طاعات و عبادات گردیده و دست تفرغ و نیاز را بدرگاه حضرت احدیت برداشته فتح و ظفر جیوش منصوره اسلامی و موفقیقتشان را خواسته اند. در این روز فیروز جمله اماکن روسیه و چارسو و بازارها بایسدهقهای کونا کون آراسته تمام وزرا و بزرگان و ارکان دولت بحضور اعلیحضرت خسروانه مشرف شده و واسطه سلام و تبریکات خود را تقدیم نموده و در حضور مایوی منقبه مولد شریف بگیری را استماع کرده و صحنه کشته اند. در شب مذکور تمام مساجد و جوامع شریفه و اماکن حکومتی با چراغهای برقی آفرخته و چراغانی نموده و بشفرف این روز بیروز از مواقع مخصوصه ۲۱ توب سلام انداخته شده است. اداره خاور بدین مناسبت تبریکات صمیمانه خود را بعموم مؤمنین و برادران اسلامی تقدیم نموده دوام موفقیت و نصرت عساکر نصرت ما تر اسلامی را اذدرگاه خداوند التماس مینماید.

نشانه دوستی و محاندت اعلیحضرت امیرانور المان و اطریش بذات شاهانه تلکراف تبریک آمیزی متعلق فیروزی دیرینه (داردائل) فرستاده و جواب مناسبی شنیده اند. همچنین مجلس ملی (رایخشتاک) المان و (رایختراد) اطریش بمجلس مبموتان و اعیان تلکرافهای مبارکبادی رد و بدل کرده اند. نیز جمعیات صلیب احمر بجمیعت هلال احمر ایفای مبارکبادی نموده.

§ تمام مطبوعات بیطرف از فرار ناپتکام و مغلوبی قوای انگلیس و فرانسه در داردائل دم زده و آنان را سرزنش نموده اند.
§ بنابر خدمات جانبسارانه و وزیر جنگ انورپاشا و فرمانده اردوی عظیم داردائل امیرنومان جنرال (لیان فون ساندروس پاشا) از جانب اعلیحضرت

صلحیه رسالتی از دولت اطریش خواسته بودند دولت مشارالها در صورت ترک سلاح از لطیف اردوی قرطاغ پذیرفتن خواستن باوقا مستقبل کشته است. حکومت قره طاغ بدون قید و شرط تکلیف دولت اطریش را قبول نموده است.

مابون هر گدانشان یک قطعه نشان مرصع عنانی بخشیده شده است.
اه اختتام داردائل از قزاقیکه تبلیغ رسمی قزاقک عمومی خبر میدهند فغانی که از انگلستان بدست اردوی عنانی افتاده از قرار ذیلست :-

توب	۱۰
تنک	۲۰۰۰
غداره	۲۰۰۰
لوله مترالیوز	۶۰
کوله توب	۸۷۰۰
صندوق قورخا	۴۰۰۰
توب و ماشین بومب پزانی	۱۳
بومب	۴۰۰۰
کوله و کالسکه قورخانه	۲۶۰
هراده (ده کوویل)	۶۱
متر خط آهن	۲۰۰۰۰
تومباز	۸۰
کرچی	۶۷
چادر (مختلف الحجم)	۲۸۰۰
دستک (برای نقل زخمیان)	۱۸۰۰
ماشین هلیوست (برای نظاره باشماع آفتاب)	۱۳
کیلومتر سیم برای تلفون	۳۰۰
تنک بئزین	۱۲۰
تفت	۲۵۰
بتو	۵۸۰۰
لباس	۳۴۰۰
پانتو	۳۱۰۰
بالابوش	۶۵۰۰
صندوق (میوه و خوارک و گوشت)	۲۰۰۰۰
جوال ارزاق	۵۰۰۰
پاروی آهنین	۱۲۵۰۰

هنوز مقدار غنایم بخونی شمرده نشده است. آنهایی را که توانستیم بشمریم اینهاست. خلاصه مقدار زیادی اسب و چاروا و کالسکه دوچرخه و غنایم پیشوا دیگر هست که فیا بعد ذکر و اعلان خواهد شد.

تشکر و تقدیر مجلس اعیان و مبموتان عنانی باوردوی عظیم کلیولی بآتلکراف اظهار تشکر و تبریک نموده و جواب مناسبی گرفته اند. همچنین اعلیحضرت مابونی وزیر جنگ تلکرافهای تقدیر آمیزانه فرماینده کل اردو (لیان فون ساندروس پاشا) فرستاده اند.

مطبعة مدیرمسؤل صاحب امتیاز شمس محمد توفیق سید حسن

صاحب امتیاز

سید حسن

KHA VAR

Directeur, Propriétaire. S. HASSAN

Stamboul

هفته یکبار طبع و نشر میشود

قیمت یک نمرة ۱ فروش

خاور

سر محرر و مدیر امور

س. م. توفیق

اداره خانه روزوی باب عالی در مطبوعه شمس است

نمرة تلفون : ۲۹۵

قیمت اشتراك : سالانه

در سلامبول ۶۰ غروش

در محاکم عثمانیه ۷۵ »

در ایران ۳۵ قران

در هند ۱۰ روپیه

در مالک سائره ۱۷ فرانک

در این جریده هر قسم مقالات تاریخی و سیاسی و علمی و ادبی درج و از منافع دول و ملل اسلامی بحث میشود و کلیه مقالات عام المنفعه پذیرفته و در انتشار و ردان بصاحبش روزنامه اذاست.

قیمت اعلان عادی سطرى ۳ و اعلان بانک و امور صرافى (۵) اعلانات معتنا که در جای حوادث درج شود سطرى (۱۵) غروش است.

نظام السلطنه

آمال ملت

یکدنیا آموادوه خواهد کشت. پس در اینگونه موقع بسیار شکر و بارک و هنگام مهالک و مخاطرات، با این پیشامدهای مخوف و مدعش سفینه و امید استقبال خود را ملت نمیتوانست بدستهای خطا کار، دماغهای بروم بسیار د، و باز بیش از پیش بامتحان اشخاص وقت عزیز را تباه و ضایع نماید. زیرا ملت بیچاره تا کنون اینقدر فریب خورده و گرگان مردمخوار را گرفتند سلیم دانسته و چندی نگذشته، دست تقابن و اسف را بهم زده و انکشت تحیر و تحسر را خائیدن گرفت. یگانه قصص بزرگ اجتماعی ایرانیان سهل انگاری، زود باوری و اعتماد و تسلیمت آنی میباشد. حسنات و سیئات را تسبیحید بیروحسن ظن خود میشوند و فریفته زیب و زیور سریع التحول و فریب الزوال میکردند، همین خاصه عفو و اغماض، عدم تقید و اهمال، فقدان مذاقه و تبصر - لاسیما عنی لله عما سلف گفتن - کار مشروطه را تا تمام گذاشت، اساس انقلاب را معطل و معوق ساخت. کسانیکه بر علیه ملت شمشیر کین را آخته و باقرمانان استبداد همراهی شده و زیستی هفتاد ساله شان بتمکجرامی و نعمت نشناسی معروف بود، بعد از چندی نائل چشم پوشی و کینه بخشى ملت گردیده و دوباره متصددر امور جمهور و متکی بپالش وزارت و ریاست آمدند. همان

بر حسب تصویب و تنسیب عموم ملت آقای نظام السلطنه حاکم ایالت لرستان بسمت سپهسالاری تمام قوای ملی و هیأت محترم مجاهدین برگزیده و برگشته گردید. ماجنوبی اطلاع داریم که در نظر زمامداران حقیقی امور و مقدرات ملت هنگام انتخاب خیلی کسان جلوه کرده بودند، و حالات سابقه و اخلاق آنان یگان یگان موضوع بحث و تذکر، موقع تدقیق و تعمیق در آمده و بعد از غور و تفکر، تحلیل و مشکافه این شرف تاریخی و سعادت ابدی بنام نامی یگانه وطنپرست ایرانیخواه آقای نظام السلطنه قید و تسجیل یافته و این قرعه ملی بعالق قرین السعد اویبوست. صفحات تاریخ این راد مرد بزرگ تا کنون هیچگونه آرایش نیالوده و سوانح عمرش بر از آرایه و پیرایه و لبالب از خدمات و حسنات محض است. در میان طبقات اهیلان و بزرگان ایران - خصوصاً متنفذان خیلیها یافته میشوند که بشمار ایران دوستی و نوع برستی ممتازند، ولی هیچکدامشان بقدر نظام السلطنه فداکار و در سترگدار و راست گفتار و آینه بی رنگ نبوده و هر یکی یک رنگ سستی دارد که درین موقع تسام هتق و ششون مسکریه و سیاسیه ملت بدست آنان خالی از اندیشه نیست. چه، یک حرکت ناجبایی در این آن مهم تاریخی در آینده اسباب هزاران پشیمانی و افسوس،

مال نیندیشی و کوتاهی بصیرت، متفکرین ایران را هنگام انتخاب (نیابت سلطنت) باز دامنگیر شده و یک (ناصر الملک) چون رم کنند، متلون - بوقلمون صفت - را سرکار آورد و با کمال دامانی و تجربه نخنه پاره های کشتی سیاست ایران هزاران ساله را معرض خیزهای کوفه فکن و خاک پاک وطن و استخوان نامدارانش را لکدکوب ستور قزاقان روس و سپاهیان انگلیس گردانید. تا آنکه آن کله بوسیده اسباب تسخیر محاسن ملی و حادثه مششوم سال ۱۳۳۰ را در تبریز و متعاقباً بومباردمان قبه و بارگاه مقدس امام هشتم را فراهم آورد. ناصر الملک و همقطارانش خطه وسیعه آذربایجان را بدشکست دولت روس کرده و دردهای اجتماعی و سیاسی، مالی و سپاهی ایران را محکوم موت و اتهدام نمودند. همان بیطرفی ظاهری و فرقه بازی باطنی اوششون ملت را هنگام نیابت سلطنت خود بدست دشمنان دین و استقلال ایرانیان اسیر و زبون گردانید. اینست که سنک نخستین شالوده انقلاب و مشروطه در ایران استوار و محکم جانگرفت و بنیان عمارت و دیوارهای آن سست و بی اساس ماند، و ثمرات مطلوبه بخشید، جمله مسیحی منورین و متفکرین، فداکاران و وطنپروان محکوم عقامت شد. دست خائنین از وجود کشور و ملت کوتاه